

نگاهی به موسیقی نیکیتا کوشکین

شاهزاده اندوهگین سردیسر



علیرضا امیرحاجبی

■ آهنگسازان مطرح جهان به‌خصوص پس از دوران رمانتیک کمتر توجهی به قابلیت‌های نهفته در گیتار کلاسیک داشته و دارند. البته هستند بزرگانی چون خواکین رودریگو آهنگساز بزرگ اسپانیایی که با تصنیف کنسرتو گیتار «آران خوئر» ثابت کردند که این ساز قابلیت و پتانسیل خوبی برای حضور در یک ارکستر سمفونیک یا مجلسی دارد. بسیاری از آهنگسازان گیتار کلاسیک را سازی مناسب جهت تکنوازی می‌دانند که این امر به دلیل نوع صدادهی و ویژگی‌های ذاتی آکوستیک گیتار پذیرفتنی است. در چنین وضعی ملودی‌های لطیف گیتار زیر حجم زیاد اصوات ارکسترال دفن می‌شود. در بین آهنگسازانی که به گیتار توجه ویژه‌ای داشته‌اند، نام چند نفر حایز اهمیت بیشتری است: هکتور ویلاوبوس مغز متفکر و نابغه موسیقی مدرن برزیل، موریس اوهانا موسیقیدان مدرنیست اسپانی‌لئو برلور (Leo Brower) گیتاریست و آهنگساز کوبایی که بین نوازندگان گیتار کلاسیک و لاتین بسیار محبوب است و در نهایت نیکیتا کوشکین آهنگساز اعجوبه روس و به حق که صفت اعجوبه گیتار مدرن عنوان مناسبی برای اوست. دلایل این اعجوبگی در خلاقیت، جدل‌با به و چندوجهی بودن اوست. در اینجا با تحلیل یکی از بهترین آثار وی یعنی «سباب‌بازی‌های شاهزاده» (prince toys) تصنیف شده در سال ۱۹۸۰ می‌توان تا حدودی به وجوه خلاقانه موسیقایی کوشکین پی برد. «سباب‌بازی‌های شاهزاده» در فرم سوئیت (suite) تصنیف و به یکی از قدرتمندترین نوازندگان گیتار کلاسیک یعنی ولادیمیر میوکولا تقدیم شده و میوکولا نیز این سوئیت را در آلبومی به همین نام اجرا و روانه بازار کرده است. سوئیت مذکور دارای شش بخش است. اثری کاملاً تصویری که لحظه لحظه آن سرشار از تنوع صدایی، فیگوراتیو و تکنیکی، کولازی منحصr به فرد که هر نوازنده‌ای را جهت اجرای صحیح و صدادهی (sonorite) به چالش می‌کشد، در این سوئیت مخاطب با اصواتی مواجه می‌شود که تا به حال نشنیده یا حداقل از گیتار کلاسیک نشنیده است. این تنها مشکل مخاطبان نیست بلکه نوازندگان موسیقی کلاسیک نیز با تعجب به تنوعی و دستورالعمل‌های کوشکین در زمینه صدادهی نگاه خواهند کرد. به جز مجموعه دستورات دینامیک و استاتیک متن مانند شدت، قدرت، بلندی کوتاهی هیجانی، عمیق و پرخاش‌جویانه، کوشکین ۲۵دستورالعمل برای ایجاد اصوات غیرمعمول



را به صفحات نت این سوئیت اضافه کرده است. قدرت بیانی (Expressive) و ساختار زیان موسیقایی کوشکین در سوئیت اسباب‌بازی‌های شاهزاده غریب‌ال توصیف است. در هر بخش از این اثر بر حسب نام و شخصیت پردازی‌های عروسک‌ها و اسباب‌بازی‌های یک شاهزاده موز و مودی دی کارکتری نه چندان مثبت دارد، نوازنده و سپس مخاطب با اصواتی مواجه می‌شود که به شکلی منحصر به فرد بازتاب‌دهنده است. تنوع ریتمیک در این سوئیت در نوع خود بی نظیر است. این تنوع شگفت‌انگیز ریتمیک در خط زمانی اثر ارتباطی منطقی را در بدن حفظ می‌کند. سکوت در موسیقی کوشکین به همان اندازه واحد شخصیت‌است که ملودی. لرزش‌های کوتاه و بلند، رزناس‌ها، ضرات دقیق و حساب شده بر قسمت‌های مختلف ساز از جمله پهلوهای (Side) صفحه اصلی، کشیدن ناخن روی سیم‌های بم (Bass)، انداختن سیم‌ها روی یکدیگر و ده‌ها حرکت و تکنیک ابداعی کوشکین، گیتار کلاسیک را به سازی چند کاربردی (multi function) تبدیل کرده است. اما باید توجه داشت که این تغییرات تکنیکی در بخش سستورته و صدادهی هیچ‌گاه به سمت شیرین کاری و معرکه‌گیری با گیتار پیش نمی‌رود و تماماً در خدمت زیان مریبان موسیقایی قطعات شش‌گانه سوئیت است. از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های این اثر وزن و پیچیده گیتار کلاسیک مساله مفصل‌بندی (Articulation) هارمونیک، ملودیک و ریتمیک درون قطعه‌ای و بین‌قطعه‌ای است. بدین معنی که قطعات با وجود کنترراست شدیدی ریتمیک به شکلی استانه و در کلیت اثر متنی پیوسته را به وجود آورده‌اند. این پیوستگی در آثار بزرگان موسیقی به خوبی قابل مشاهده است. به طور مثال سوئیت‌های یوهان سباستیان باخ اوج خلاقیت و مهارت در شکل‌دهی پیوستار در موسیقی است اما در موسیقی پس از رمانتیک به ویژه در موسیقی سِرال مخاطب با نوعی گسست و انفکاک شکلی (formal) و گاه مفهومی مواجه می‌شود که به گونه‌ای «پرش» شبیه است. اما کوشکین دوباره به سنت‌های ساخت و ترکیب و معض‌بندی کلاسیک و باروک بازگشته. این خود نوعی ادای دین به بزرگانی چون باخ قلمداد می‌شود. کوشکین با ساخت سوئیت «اسباب‌بازی‌های شاهزاده» چند نکته احساسی و توجه در موسیقی معاصر را گوشزد می‌کند. هنر کوشکین ثابت کرد که هنوز می‌توان به خلق فیگورها، جمالات و ملودی‌های زیبا دست زد. او ثابت کرد که می‌توان مدرن فکر کرد اما متفکله نبود می‌توان مدرنیست بود اما هنری را خلق کرد که برای همگان قابل درک باشد.

گفت‌وگوی اختصاصی «شرق» با نیکیتا کوشکین، آهنگساز و نوازنده گیتار کلاسیک به بهانه کنسرتش در تهران

■ به‌عنوان اولین سوال می‌خواستم کمی درباره سابقه تحصیلی خود در زمینه گیتار کلاسیک به ما توضیح دهید...

از ۱۴سالگی نوازندگی گیتار را آغاز کردم و به شکلی خودآموخته نوازندگی این ساز را یاد گرفتم، اما مشوق اصلی من در زمینه گیتار کلاسیک پدربزرگم بود که مرا با سبک کلاسیک آشنا کرد. او تعدادی از آثار آندره سسگوبیا، نوازنده بزرگ گیتار کلاسیک اسپانیایی را به من داد. وقتی به صدای نوازندگی سسگوبیا گوش دادم، باور نمی‌کردم که می‌توان با ساز گیتار چنین نوای زیبا، دلنشین و گاه پیچیده‌ای را تولید کرد. پس از آن بود که راهم را در نوازندگی کاملاً تغییر دادم و از موسیقی و نوازندگی عامه‌گرا دست کشیدم. پس از آن وارد هنرستان موسیقی شدم که تازه افتتاح شده بود. دوره پنج ساله آموزشی را در عرض دو سال به پایان رساندم تا بتوانم وارد کالج و سپس دانشگاه شوم.

■ در کالج با چه اساتیدی آشنا شدید و تحت نظرشان آموزش دیدید؟

نظر یکی از بهترین اساتید موسیقی کلاسیک روسیه با دنیای موسیقی آشنا شدم. ویکتوری ایگوروف اسنادی بود که خیلی از من حمایت کرد؛ خیلی زیاد، به خصوص در زمینه آهنگسازی؛ خوشبختانه هنوز هم زنده است. هم آهنگساز و هم مدرس بسیار برجسته‌ای است. من مطمئن بودم که می‌توانم به عنوان بهترین شاگردش آموزش ببینم. کم‌آهنگ ساخته و بیشتر وقت خود را به آموزش اختصاص داده است.

■ پس از دوران کالج چه کردید؟

پس از کالج با مشکل بزرگی مواجه شدم. در آکادمی موسیقی مسکو کلاس برای گیتار کلاسیک وجود نداشت. در آن زمان تصمیم گرفتم در مدارس به تدریس گیتار کلاسیک بپردازم. در ۱۹۸۰ بود که کورس‌های گیتار کلاسیک در آکادمی موسیقی افتتاح شد و به راحتی توانستم در آزمون آکادمی شرکت کنم و موفق شوم. پنج سال بعدی در آکادمی به تحصیل پرداختم به شکل هم‌زمان به تدریس گیتار کلاسیک ادامه دادم تا به امروز.

■ گیتار کلاسیک دارای چه اندازه اعتبار و محبوبیت بین مردم و فرهیختگان روسی است؟

در دهه‌های گذشته کمتر کسی به موسیقی گیتار کلاسیک توجه می‌کرد. شاید یکی از دلایل آن حجم کم‌صدایی و محدودیت‌های فیزیکی و ذاتی ساز گیتار باشد. در آن زمان تعامل همکاران بین نوازندگان گیتار کلاسیک و ارکسترها، رهبران ارکستر و آهنگسازان روس وجود نداشت اما در تدریج این وضعیت تغییر کرد و در حال حاضر هم با مشکلات زیادی در زمینه وجود کلاس یا آکادمی‌های گیتار کلاسیک در مسکو مواجه هستیم. به‌طور مثال در کنسرواتوار بزرگ موسیقی روسیه، گیتار کلاسیک آموزش داده نمی‌شود.

■ درباره مخاطبانی که به موسیقی شما گوش می‌دهند چگونه فکر می‌کنید؟ به‌خصوص در روسیه، واکنش‌های آنان در قبال موسیقی شما چیست؟

من هیچ‌گاه با شنوندگان آثارم مشکلی نداشته و ندارم. باوجوداینکه موسیقیدانی معاصر هستم و شاید این موسیقی با مخاطب عام، مشکلاتی در زمینه بیان و ارتباط دوجانبه داشته باشد، ولی شخصاً چالشی با مخاطبان ندارم. شاید موسیقی مدرن برای برخی‌ها گوش‌نواز نباشد یا سخت نبوتاند با آن ارتباط برقرار کنند. این مشکلات به تدریج کم و کمتر شده‌اند. خوب به یاد دارم زمانی که سوئیت «اسباب‌بازی‌های شاهزاده» را تصنیف کرده و به یکی از دوستانم نشان دادم. پس از مطالعه آن گفت این سوئیت غریبال اجراست، اما امروز این سوئیت توسط بسیاری از نوازندگان چه در روسیه و چه در اروپا، آمریکا و آسیا

نواخته می‌شود. فهم موسیقی در جامعه مقوله‌ای ناگهانی نیست بلکه امری تدریجی و تکاملی است.

■ یکی از پرسش‌هایی که همواره ذهن بسیاری از کارشناسان و موسیقیدانان را مشغول می‌کند، این است که آیا موسیقی نیاز به تغییر دارد؟ آیا ساختار گیتار کلاسیک و ویلن پاسخگوی آهنگسازی معاصر است؟

ساختار گیتار کلاسیک از بدو پیدایش تا به امروز تغییرات زیادی کرده است. به خصوص در میانه قرن نوزدهم، این تغییرات دقیقاً به مثابه یک کشف بزرگ بود. کشف قابلیت‌های گیتار جهت ارتقای سطح کیفی صدا. در قرن نوزدهم بود که گیتار کلاسیک به لحاظ ساختار فیزیکی

نیکیتا کوشکین، یک رمانتیک روس

توجه برجسته‌ترین نوازندگان، آهنگسازان و منتقدان قرار گرفت و آثار او توسط برجسته‌ترین ناشران موسیقی از جمله Mel Bay و naxos... منتشر شد. او هم اکنون به تدریس در دانشگاه موسیقی مسکو به‌عنوان استاد گیتار کلاسیک اشتغال دارد و تاکنون موفق به تربیت نوازندگان برجسته‌ای در سطح بین‌المللی شده است. کوشکین مستر کلاس‌هایی در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، دانشگاه ایالتی آریزونا، کنسرواتوار رم و ده‌ها مرکز معتبر دیگر برگزار کرده و آثار او توسط نوازندگان و ارکسترهای برجسته‌ای اجرا شده. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: جان ویلیامز /جولیان بریم اجان دواتر /پروفیسور فرانک کنجه/ ارکستر فلیارمونیک آمستردام /ارکستر فلارمونیک لندن /ارکستر فلارمونیک منچستر /ارکستر سن‌فونیک مسکو /ارکستر فلارمونیک رم /ارکستر سن‌فونیک مادرید و... همچنین آثار تکنوازی و برای گیتار از جمله محبوب‌ترین آثار برای گیتار کلاسیک است.

پرویز براتی



■ نام نیکیتا کوشکین برای علاقه‌مندان گیتار کلاسیک در سراسر جهان نامی آشناست. او هنر آموخته موسیقی در آکادمی ملی موسیقی روسیه است واز اوایل دهه ۸۰ با اجرای کنسرت‌هایی در سراسر جهان به شهرت رسید. کوشکین از نادر آهنگسازانی است که به دلیل تسلط بر ساز گیتار کلاسیک قطعات و آثار متعددی برای این ساز چه به صورت تکنوازی و چه با ارکستر تصنیف کرده است. تهران در روزهای آغازین پاییز میزبان کلاس‌های تخصصی این موسیقیدان در زمینه نوازندگی گیتار کلاسیک بود. کلاس تخصصی کوشکین روزهای چهارم و پنجم مهر برگزار شد و این نوازنده ششم و هفتم مهر با همراهی همسرش آسیه سلیوتینا که خود از نوازندگان مطرح گیتار است، در تالار وحدت تهران روی صحنه رفت. حضور کوشکین در تهران بهانه ما شد برای گفت‌وگو با این نوازنده و آهنگساز شهیر روس.

است. این ویژگی را همواره در ذهن خود حفظ کرده‌ام از همان ابتدا تصمیم گرفتم سبک ویژه خودم را داشته باشم. امیدوارم توانسته باشم به سبک شخصی خود برسم.

■ حال بپردازیم به حضورتان در ایران. چطور شد که تصمیم گرفتید به ایران سفر کنید و کلاس‌های پیشرفته گیتار تر تیب دهید؟

دلیل اول این بود که به ایران دعوت شدم. وقتی آقای هومن موسوی پیشنهاد را مطرح کردند که در ایران یک کلاس پیشرفته گیتار کلاسیک و نیز کنسرتی را ترتیب دهیم، من استقبال کردم اما می‌دانستم که این پروژه آسان نخواهد بود. مطمئن نبودم که میزبانم من بتوانند در زمینه دعوت از یک گیتاریست و آهنگساز روس موفق باشند اما خوشبختانه موفقیت کسب شد و من به ایران آمدم. خیلی خوشحال بودم که کنسرتی می‌آید که تا به حال به آنجا نیامده بودم. از سوی دیگر برای من جای بسی خوشحالی بود که موسیقی کلاسیک کشورم را به علاقه‌مندان گیتار کلاسیک در ایران معرفی کنم. برگزاری کلاس‌های پیشرفته از جمله کارها و برنامه‌های مشخص و سالانه من است. هر سال من چندین کلاس آموزشی پیشرفته در خارج از روسیه بر پا می‌کنم. برای گیتاریست‌های ایرانی هم فرصت مناسبی ایجاد شد تا تجربه حضور در کلاس یک مدرس غیرایرانی را داشته باشند

■ سطح تکنیکی گیتار یست‌های ایرانی بسیار مطلوب است، من با استعدادهای جوان و بسیار درخشانی در ایران مواجه شدم. در ایران شور و اشتیاق زیادی برای نوازندگی گیتار کلاسیک وجود دارد. این ویژگی بسیار جالب توجهی است و البته خیلی مهم. شرط اول موفقیت هر نوازنده اشتیاق و شور است

■ شما در آهنگسازی‌هایتان نوع خاصی از صدادهی و جلوه‌های صوتی را ابداع کرده‌اید که تا به‌حال وجود نداشته است. لطفاً در این زمینه توضیح دهید؟ جلوه‌های صوتی در گیتار کلاسیک در آهنگسازی من از سویت «اسباب‌بازی‌های شاهزاده» آغاز شد. هدف اصلی من در خلق این افکت‌های صوتی کمک به خلق تصویر است و نه به وجود آوردن افکت برای افکت. جلوه‌های صوتی باید وسیله‌ای باشند جهت بیان تصویری در موسیقی. در این بین مساله سبک شخصی در آهنگسازی نیز بسیار مهم است. در بخش عظیمی از موسیقی معاصر ما نوعی ساخت استاندارد مواجه هستیم که نمی‌توان تشخیص داد آهنگساز فلان قطعه کیست. اما وقتی به موسیقی بزرگانی چون شوستا کویوچ یا پروکوفیف گوش می‌دهید، در همان میزان‌های ابتدایی به سرعت می‌توانیم تشخیص دهیم که قطعه یا اثر موسیقایی متعلق به چه کسی

■

گیتاریست‌های ایرانی بسیار مطلوب است، من با استعدادهای جوان و بسیار درخشانی در ایران مواجه شدم. در ایران شور و اشتیاق زیادی برای نوازندگی گیتار کلاسیک وجود دارد. این ویژگی بسیار جالب توجهی است و البته خیلی مهم. شرط اول موفقیت هر نوازنده اشتیاق و شور است. اگر این حالت در روحیه شما وجود نداشته باشد، موفق نمی‌شوید.

■ چقدر به موسیقی ایرانی گوش داده‌اید و چقدر این موسیقی و آهنگسازان ایرانی را می‌شناسید؟

موسیقی شرق همواره بخشی جدایی‌ناپذیر از شنیده‌های مرا تشکیل می‌دهد و به شدت مورد علاقه من است. متأسفانه به شکل تخصصی چیز زیادی درباره موسیقی ایران نمی‌دانم، اما به دلیل اینکه این موسیقی نیز شرقی است، پس شباهت‌هایی با سایر موسیقی‌های این حوزه دارد، از جمله اینکه دستگاهی بین‌المللی زیر اشاره کرد:

۱- فستیوال بین‌المللی وارونژ
۲- فستیوال بین‌المللی بلغار
۳- فستیوال بین‌المللی سن‌پترزبورگ و...

او همچنین کنسرت‌های تکنوازی گیتار را در سراسر دنیا اجرا کرده که از آن جمله می‌توان به کنسرت‌های زیر اشاره کرد.

■

موسیقی

گفت‌وگوی اختصاصی «شرق» با نیکیتا کوشکین، آهنگساز و نوازنده گیتار کلاسیک به بهانه کنسرتش در تهران

چالشی با مخاطبانم ندارم

و مقامی است، پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های بسیار زیادی دارد. بسیار کنج‌گام که بیشتر در این زمینه بدانم، امیدوار هستم بتوانم در آینده با موسیقدانان، آهنگسازان و نوازندگان ایرانی بیشتر آشنا شوم تا به همکاری دوجانبه‌بپردازیم.

■ در موسیقی شما مخاطبان با نوعی تمایل به ادبیات مواجه می‌شوند. به‌طور مثال در والس مشهورتان «آشر» که برگرفته از زمان ادگار آلن پو، نویسنده آمریکایی است. آیا این تشخیص درست است؟

بله، علاقه من به یافتن موضوعات و ایده‌هاست که بخشی از این موضوعات در ادبیات نهفته است. درباره والس آشر این موضوع شکل دیگری داشت. این قطعه اقتباسی از زمان آلن پو نیست، بلکه نوعی تأثیرپذیری روحی و رمانتیک از داستان واضمحلال و نابودی است؛ داستانی به‌شدت تاریک. در بخشی از داستان، آشر گیتار می‌نوازد. این صحنه مرا تحت‌تأثیر قرار داد. فکر کردم اگر آشر واقعاً گیتار می‌زد، چه قطعه‌ای را می‌نواخت. این سوال باعث خلق والس آشر شد. این اثر یک کار نورماتیک است شخصاً به والس آشر علاقه خاصی دارم به همان اندازه که اسباب‌بازی‌های شاهزاده را دوست دارم.

■ آهنگسازان مورد علاقه شما چه کسانی هستند؟ راحمانیف، چایکوفسکی، شوستاکوویچ، موسوروسکی و استراوینسکی در روسیه و آثار یوهان سباستین باخ، ایراک آلبنیز آهنگساز امپرونیست اسپانیایی کلود دبوسی و راول.

■ آیا آهنگسازی روسی با اروپا و کلا موسیقی غربی یکسان است یا تفاوت‌هایی دارد؟

تفاوت‌ها بسیار است. اما توضیح آنها کمی مشکل است و البته تکنیکی. به‌طور مثال موسیقی چایکوفسکی در برابر موسیقی یوهان برامس آلمانی، موسیقی برامس به‌شدت فلسفی و بانوعی جهانی‌بینی همراه است اما موسیقی چایکوفسکی بسیار احساسی و شاعرانه است. به‌طور کلی موسیقی روسیه بسیار دراماتیک و احساساتی و شاید در زمان‌های نزدیک‌ما تفاوت‌ها آنچنان اهمیتی ندارند. موسیقی یک هنر جهانی است که باید با مردم ارتباط برقرار کند.

■ آینده گیتار کلاسیک را چگونه می‌بینید؟

پرسش سختی را مطرح کردید. متأسفانه در اروپا، آمریکا و کشور من روسیه فرهنگ و صنعت سرگرمی (Entertainment) همه‌چیز را تحت‌تأثیر قرار داده و روز به روز هم قدرت بیشتری می‌گیرد؛ دلیل این قدرت هم چیزی نیست به‌جز پول. سرمایه‌گذاری در زمینه موسیقی عامه‌پسند بسیار بیشتر از مراکز آکادمیک موسیقی است. موسیقی آکادمیک توان رقابت با موسیقی پاپ را ندارد. سرعت تصنیف یک قطعه در موسیقی علمی بسیار کم است اما در هر دقیقه هزار قطعه موسیقی پاپ ساخته می‌شود. اجرای یک کنسرت موسیقی کلاسیک درحال حاضر بسیار مشکل شده است. شما چند نوازنده گیتار کلاسیک می‌شناسید که خبری از کنسرت‌هایشان در سراسر دنیا داشته باشید؟ بسیار کم. اما نسبت به آینده گیتار کلاسیک امیدوارم و این امیدواری سطحی نیست. من اشتیاقی جوانان را در این زمینه در سراسر جهان می‌بینم. از هند، ژاپن و ایران گرفته تا کشورهای اروپایی، امیدوارم وضعیت عمومی هم تغییر کند و دوباره هنر جدی و آکادمیک احترام و موقعیت خود را در دست آورد. هنر والا ارتباط چندانی با تجارت و پول ندارد و برای هنرمندان درآمدا نیست. البته این حرف من به معنای انتقاد یا دشمنی با موسیقی عامه‌پسند نیست بلکه صرفاً به تشریح موقعیت پرداختم. انتقاد اصلی من به فرهنگ سرگرمی‌سازی و سطحی است که ناگهان در قرن بیستم با نوعی پرخاشجویی تمامی جایگاه‌ها را اشغال کرد. برای ما دوران آنچنان راحتی نیست اما هنوز که هنوز است، مردم به گیتار کلاسیک عشق می‌ورزند.

■ به عنوان سوال آخر، رابطه بین هنرمندان و فرهنگ‌های ایران و روسیه را چگونه می‌بینید؟

امیدوارم در آینده رابطه فرهنگی این دو کشور عمیق‌تر شود. من سیاستمداران نسبتاً کم و روابط سیاسی بین‌المللی اهمیت نمی‌دهم، بلکه به عنوان یک آهنگساز و هنرمند باید با همکارانم در سراسر جهان ارتباط داشته باشم فراتر از تمامی جنجال‌های سیاسی. آنچنان با اتحاد و واحدسازی کردن فرهنگ‌ها موفق نیستم اما تبادل فرهنگی را بسیار علاقه‌مند تعقیب می‌کنم.

آسیه سلیوتینا، نماینده نسل جدید

۱- کنسرت آتن یونان / ۲- کنسرت کیف اوکراین / ۳- کنسرت کلکنه هندوستان / ۴- کنسرت بلغاراد صربستان / او همچنین کنسرت‌های برای گیتار کلاسیک با ارکستر فلارمونیک لودسا و فلارمونیک مسکو و ده‌ها کنسرت سلو در شهرهای مختلف روسیه، آلمان، یونان، هندوستان، ترکیه و... اجرا کرده است. سلیوتینا موفق شد به عنوان جوان‌ترین عضو هیأت داوران در معتبرترین فستیوال‌های بین‌المللی گیتار کلاسیک شرکت کند. آثار ضبط شده او را می‌توان در زمره پرفروش‌ترین آثار منتشر شده گیتار کلاسیک به حساب آورد که از معتبرترین آنها می‌توان به سی دی تکنوازی او که توسط انتشارات Kreusberg آلمان منتشر شده، همچنین ضبط ۲۴ فوگ برای رادیو مسکو و اجرای دوتت گیتار کلاسیک با استاد مشهور روس آنا اینوزیتساواشار کرد.

■ آسیه سلیوتینا توسط برجسته‌ترین نوازندگان گیتار کلاسیک در سراسر دنیا مورد تمجید قرار گرفته است.

■

به بهانه حضور نیکیتا کوشکین در ایران

به دور از روایت سانس‌متال



هومن موسوی

نوازنده گیتار کلاسیک

■ نام نیکیتا کوشکین چنان با موسیقی مدرن عجین شده که بی‌شک نمی‌توان نوازنده‌ای برجسته در گیتار کلاسیک دنیا سراغ گرفت که قطعاتی از او را اجرا نکرده باشد. آثار او ضمن تطابق کامل با فلسفه هنر مدرن سد محکمی است در برابر تفکرات دادانیسم در موسیقی مدرن که در کمال زیبایی از هرگونه روایت سانس‌متال پرهیز می‌کند. از آن جمله می‌توان به فوگ‌های او اشاره کرد که پیوند خارق‌العاده‌ای میان موسیقی باروک و مدرن ایجاد کرده و البته آثار او چنان به لحاظ تکنیکی غنی است که اجرای آن باعث مباحثات هر نوازنده‌ای است.

اینجانب در سال‌هایی که افتخار آشنایی با وی را داشتم، دریافت‌م که آثار او از بطن تفکرات و نگرش او به زندگی انسان مدرن خلق شده، این نگرش عمیق او و تلفیق آن با دانش مثال‌زدنی‌اش کلید محبوبیت آثار اوست که به این‌ترتیب قطعات وی را در زمره پرمخاطب‌ترین آثار موسیقی مدرن هم برای مخاطب خاص و هم برای مخاطب عام قرار داده و این آثار مکرراً توسط بزرگ‌ترین نوازندگان گیتار کلاسیک و البته آثار ارکسترال او توسط معتبرترین ارکسترهای جهان اجرا شده است.

برگزاری مستر کلاس‌های او در تهران فرصتی ایجاد کرد تا بسیاری از نوازندگان گیتار کلاسیک کشور با مبانی روز تکنیکال و موزیکال آشنا شوند. به‌علاوه این امکان فراهم شد تا از نزدیک با یکی از اسطوره‌های گیتار کلاسیک به بحث و تبادل نظر در رابطه با سوال‌ها و ابهامات خود بپردازند و البته اشتیاق نیکیتا کوشکین به شناخت بیشتر شرایط موجود گیتار کلاسیک ایران موجب می‌شد این مباحث هرچه گرم‌تر فی‌مابین نوازندگان گیتار کلاسیک و او پیگیری شود. کم‌اینکه حضور برخی چهره‌های شاخص گیتار کلاسیک کشور نیز موجبات بالا رفتن کیفیت مباحث مطرح‌وه را فراهم می‌کرد.

دومین اتفاق مهم حضور همسر کوشکین یعنی خانم آسیا سلیوتینا بود. او در سنین جوانی توانسته جایگاه ویژه‌ای در بین نوازندگان گیتار کلاسیک جهان بیابد و اجرهای‌ای و در زمره محبوب‌ترین و پرمخاطب‌ترین اجراهای گیتار کلاسیک در جهان است. آسیا سلیوتینا از دانش آموختگان موسیقی نیکیتا کوشکین است که تسلط مثال‌زدنی او بر قطعات



بسیار پیچیده و مشکل گیتار کلاسیک، او را به یکی از بهترین اجراکنندگان آثار همسرش تبدیل کرده است. سلیوتینا دو شب در تالار وحدت به اجرای برنامه پرداخت که این برنامه خود کم‌کمی بود بر مباحث مطرح‌شده در مستر کلاس‌های نیکیتا کوشکین و البته این برنامه حاوی نکاتی بسیار بدیع از شیوه اجرا و بیان در موسیقی مدرن بود. به هر حال این برنامه‌ها به پایان رسید و سوالي که باقی می‌ماند، این است که سهم موسیقی کلاسیک کشور م

از حضور نیکیتا کوشکین و آسیا سلیوتینا در ایران چه بود؟ آیا توانستیم در این فرصت کوتاه بهره لازم را از دانش و هنر ایشان ببریم؟ تاریخ پیچیده کلاسیک ما حضور نوازندگان و موسیقیدانان برجسته بین‌المللی را کمتر تجربه کرده است. بی‌شک در کشورهایی که دارای موسیقی کلاسیک غنی است، دعوت و حضور نوازندگان و موسیقیدانان برجسته جهت تبادل فرهنگی از روش برنامه‌هاست و فقدان آن موجب ایستایی و ایجاد اختلاف سطحی بسیار با دیگر جوامع هنری می‌شود. قطعا یکی از دلایل پشرفت‌شانان برخی کشورهای آسیایی در حوزه موسیقی کلاسیک بهره‌برداری از همین استراتژی به منظور تربیت موسیقیدانان برجسته و توانمند است. امید است در عصر حاضر که به حق عصر ارتباطات عنوان گرفته، امکان حضور دوباره دیگر شخصیت‌های بین‌المللی در کشورمان و به تبع آن گسترش فرهنگ دانش آموزی و دیالوگ فرهنگی- هنر فراهم شود تا موسیقی کلاسیک کشورمان هرچه بالنده‌تر رو به آینده داشته باشد نه اینکه با رخنوت، فرهنگ خودبزرگبینی را ترویج کند زیرا بر کسی پوشیده نیست که هنر موسیقی امروزه بیش از هر زمان دیگری مبتنی بر فنون ساختاری و اجرایی است و این نیاز، وابستگی هرچه بیشتر هنرمندان به فراگیری علوم روز و مبانی نو را ایجاد می‌کند که در صورت عدم پویایی هنرمندان و نبود ارتباط با موسیقیدانان پیشرو بین‌المللی نمی‌توان آینده‌ای پرپار را برای هنر موسیقی کلاسیک کشور تصور کرد.